

## هوش معنوی

# و اثر عکس بر بی صداقتی آموزشی

لیلا سادات ابطی

دکترای مشاوره و راهنمایی



عوامل مؤثر بر تقلب تحصیلی را می‌توان به سه دسته عوامل بافتی، فردی و انگیزشی تقسیم کرد.

- عوامل بافتی به فشارهایی بیرونی گفته می‌شوند که بر فرد تحمیل و موجب ترغیب یا اجتناب از تقلب می‌شوند؛ مثل: محیط کلاس درس و خانواده و فضای زندگی، ویژگی‌ها و روش‌های آموزش معلم، قوانین پیشگیری از تقلب و نوع آزمون.

- عوامل فردی بیشترین ارتباط را با بی صداقتی تحصیلی دارند و عبارت‌اند از:

سن، جنس، رشته تحصیلی، صفات شخصیتی شامل وظیفه‌شناسی، مسئولیت‌پذیری، خودکارآمدی و ثبات هیجانی، عزت‌نفس و میل به برتری.

- عوامل انگیزشی متغیرهای فردی را به متغیرهای بافتی مرتبط می‌کنند.

دانش‌آموزان وظیفه‌شناس و مسئولیت‌پذیر مستقل هستند. هدفشان پیشرفت است و پشتکار بیشتری از خود نشان می‌دهند. در عملکرد تحصیلی صادق هستند. عادت‌های مطالعه‌ای را تمرین می‌کنند و خودکارآمدی تحصیلی در آن‌ها بالاست. دانش‌آموزان دارای ثبات هیجانی، نگاه منفی بیشتری به تقلب دارند و با هدف حفظ روابط اجتماعی از انجام تقلب دوری می‌کنند. با افزایش فردگرایی، رفتارهای غیراخلاقی افزایش می‌یابد و رفتارهای تقلبی مورد انتظار خواهند بود.

هوش معنوی برای حل مسائل مفهومی و ارزشی استفاده می‌شود

برای معنابخشی به زندگی و نهادینه کردن ارزش‌ها و کنترل تقلب می‌توان از هوش معنوی بهره جست. **دانا زوهار** و **یان مارشال** در این باره نظریه هوش سه‌گانه را مطرح کرده‌اند و هوش‌های دیگر را زیرمجموعه‌های این سه هوش می‌دانند:

۱. هوش عقلانی (IQ)

۲. هوش عاطفی یا هیجانی (EQ)

۳. هوش معنوی (SQ)

بی صداقتی آموزشی یکی از پدیده‌های مذموم و نگران‌کننده در تمام نظام‌های آموزشی دنیاست؛ معضلی که عامل تهدیدکننده کیفیت آموزش است و می‌تواند هشدار برای حضور افرادی با شایستگی پایین و بی‌اعتنا به ارزش‌های اخلاقی در محیط‌های کاری و ارتباطات آینده در جامعه باشد. براساس سند تحول بنیادین، شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح اسلامی مستلزم آن است که تربیت‌یافتگان نظام آموزشی شایستگی‌های لازم را برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران بر اساس نظام معیار اسلامی کسب کنند. وظیفه نظام آموزشی تربیت انسان‌هایی صادق، اخلاق‌مدار و پایبند به ارزش‌ها و فضیلت‌های انسانی و هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد است که به شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی منجر می‌شود.

تقلب در هر حوزه‌ای قابل پیش‌بینی است و تعریف‌های متعدد دارد. در دانش‌نامه عمومی تقلب نوعی دروغ، کلاهبرداری و حيله‌گری تعریف شده است که باعث ایجاد برتری ناعادلانه متقلب بر دیگران می‌شود.

رواج و شیوع این پدیده در محیط‌های تحصیلی کشورمان، به‌ویژه در آموزش‌های غیرحضوری ایام کرونا، انکارناپذیر است و آسیب‌های زیادی پدید آورده است. دانش‌آموزانی که تقلب می‌کنند، در فرایند یاددهی - یادگیری به‌طور مؤثر درگیر نمی‌شوند، غیبت‌های زیاد دارند، توسعه دانش و مهارت‌های جدید هدفشان نیست و تلاش زیادی نمی‌کنند، به محفوظاتشان اعتماد ندارند، در انجام تکالیف کوتاهی می‌کنند و برای ادامه تحصیل بی‌انگیزه‌اند.

تقلب موجب دلسردی دانش‌آموزان پرتلاش و درستکار و برتری غیرمنصفانه دانش‌آموزان کم‌تلاش خواهد شد. در مواجهه با این پدیده، سنجش دقیق توانایی‌های دانش‌آموزان و ارزیابی دشوار است. نتایج متفاوت میانگین نمرات گزارش‌شده دانش‌آموزان در آزمون‌های حضوری و غیرحضوری ایام کرونا گواهی بر این مدعا است.



مانند بی‌صدقتی آموزشی، درونی کردن ارزش‌هاست؛ تربیت انسان‌هایی که تقلب را عملی ناشایست و ناپسند بدانند و بدون وجود هرگونه پیامد یا بازخوردی، نسبت به عمل ناپسند هشیار باشند و بدون نظارت بر رفتارشان، مرتکب خطا نشوند.

میان باورهای اخلاقی با میزان وقوع تقلب رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

در هر صورت، مقابله با پدیده بی‌صدقتی آموزشی نیازمند تربیت درست، اقداماتی اساسی و مجموعه‌ای از راهکارهاست. بسیاری از بی‌اخلاقی‌های علمی با مدیریت و ایجاد قوانین درست قابل پیشگیری هستند.

گلاسر در کتاب «نئوری انتخاب» خود بر این باور است که دلیل اصلی اینکه بسیاری از دانش‌آموزان به لحاظ تحصیلی عملکرد بد دارند و دانش‌آموزان خوب هم حداکثر تلاش خود را نمی‌کنند، این است که مدرسه‌های ما پیرو روان‌شناسی کنترل بیرونی‌اند. او معتقد است، بخش قابل توجهی از کار دانش‌آموزان در مدرسه، حفظ کردن اطلاعاتی است که نگه داشتنشان در ذهن تا وقت امتحان کفایت می‌کند. همان‌طور که لینوس گفته است، فرق بین دانش‌آموزی که نمره بیست می‌گیرد با دانش‌آموزی که نمره تک می‌گیرد این است که دانش‌آموز نمره ۲۰ بگیرد، ۱۵ دقیقه بعد از امتحان و دانش‌آموز نمره تک بگیرد، ۵ دقیقه قبل از امتحان موارد حفظ کرده را فراموش می‌کند.

ترس از شکست عامل بزرگی است که کودکان را به تقلب وادار خواهد کرد. پیشنهاد مؤثر، کیفی شدن مدرسه و برگزاری آزمون‌هایی است که در آن‌ها به شایستگی و توانایی کلیه دانش‌آموزان توجه شود. در مدرسه‌های کیفی، داشتن صلاحیت و شایستگی، حداقل شرط لازم برای موفقیت است. پیشگیری از تقلب نیازمند تدوین استانداردهایی برای رفتار اخلاقی، تمرکز بر یادگیری و تأکید بر کاربرد دانش به جای ارزیابی محفوضات و همچنین ایجاد فرهنگ صحیح و درست علمی و تقویت هوش معنوی در افراد و هماهنگی بیشتر بین جهت‌گیری هدفی اولیا و دانش‌آموزان و مدرسه است.

هوش معنوی برای حل مسائل مفهومی و ارزشی به کار می‌رود. سؤال‌های جدی در مورد اینکه از کجا آمده‌ایم، به کجا می‌رویم و هدف اصلی زندگی چیست، از نمودهای هوش معنوی هستند. نوعی آگاهی درباره جهان به شکلی کلی به فرد می‌دهد. این هوش برای کارکرد اثربخش هوش عقلانی و هوش عاطفی ضرورت دارد و ما را قادر می‌سازد همه چیز را آن‌طور که هست، ببینیم. از این هوش می‌توانیم برای چارچوب‌دهی و تفسیر مجدد تجربه‌ها بهره ببریم.

افراد با هوش معنوی می‌دانند «چرا» و «چه چیزی» را انجام می‌دهند. آن‌ها دیگران را به‌خاطر چیزی سرزنش نمی‌کنند و همواره مسئولیت عملکردهایشان را می‌پذیرند. برای رضایت داشتن از خودشان، به تصدیق دیگران نیازی ندارند. از وابستگی به دیگران برای کسب ایمنی رها هستند، چون اعتقاد دارند ایمنی از خودشان است، نه از بیرون.

هوش معنوی کاربرد مهارت‌های سازگارانه را پیش‌بینی می‌کند و فرد را قادر می‌سازد به حل مسائل بپردازد و به اهدافش دسترسی داشته باشد. افراد با هوش معنوی بالا، در حین قضاوت، توانایی منصفانه و دلسوزانه رفتار کردن را دارند. بلوغ معنوی شامل درجه‌ای از بلوغ هیجانی و بلوغ اخلاقی و رفتار اخلاقی است و خردمندی و دلسوزی با دیگران را در بر می‌گیرد. با آگاهی همراه است و شامل ارتباط زندگی درونی ذهن با زندگی بیرونی می‌شود.

یادگیری بازنشاسی و گوش دادن به پیام‌های شهودی راهنمایی‌کننده یا صدای درونی، متفکر بودن، بالا بردن خودآگاهی، آموختن از اشتباهات و صداقت داشتن با خود، بر هوش معنوی می‌افزیند. آگاهی از امکان تغییر جهت ارادی توجه می‌تواند آغازی باشد بر فرایند کنار گذاشتن عادت‌های فکری و الگوهای رفتاری نامناسب.

هوش معنوی در اسلام بیانگر خودکنترلی است که از ایمان عمیق، رفتارهای اخلاقی و توجه به آموزه‌های دینی و اسلامی نشئت می‌گیرد. آموزش و پرورش وظیفه دارد دانش‌آموزان را منطبق با ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی تربیت کند. یکی از راه‌های بسیار مؤثر برای جلوگیری از اعمال ناشایست